



کفت‌وگو

نیره ساری

این مطلب بر کسی پوشیده نیست که باید حقوق کودکان را شناخت و برای احقاق آن تلاش کرد. تلاش‌های جهانی در راستای حمایت از کودک به‌عنوان آسیب‌پذیرترین عضو خانواده، منجر به تصویب کنوانسیون حقوق کودک شد که ایران در سال ۱۳۷۲ طی ماده واحده‌ای به شرط عدم مغایرت مفاد آن‌ سندن با موازین شرعی و حقوق داخلی به آن

به عنوان دبیر مرجع ملی حقوق کودک، از میان قوانین متناظر با حقوق کودک در مجموع قوانین جمهوری اسلامی ایران و قوانین موضوعه و غیرموضوعه حقوق بین الملل، کدام یک را متریقی تر می‌دانید؟

در حوزه قوانین و مقررات در عرصه بین‌الملل، قوانین نه چارچوب معاهدات و موافقتنامه‌ها نمود و بروز پیدا می‌کند که طبیعتاً می‌تواند جامع‌تر و مانع‌تر باشد به لحاظ اینکه حاصل تجربه بین‌المللی است. این امر در حقیقت قواعد و مقرراتی را ارائه می‌کند که اجماع جهانی روی آن است و باعث خواهد شد کشورها با ارزش‌های مناسب خود را از بپذیرند. جمهوری اسلامی ایران کنوانسیون حقوق کودک را در سال ۱۳۷۲ به تصویب رسانده و به تأیید شورای نگهبان رسیده است که این کنوانسیون در حکم قانون تلقی می‌شود. مالیته این کنوانسیون را با حق شرط پذیرفتیم یعنی در صورت مغایرت با موارد شرعی، اجرائی نخواهیم کرد. تاکنون هم گزارشی در این زمینه نشده است. اخیراً لایحه حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان را داشتیم که به تصویب مجلس رسیده است. در آخرین مرتبه ماده ۹ لایحه منور مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفت. این لایحه در حال نهایی شدن است. مباحث مختلفی در آن مطرح شده است، گرچه این لایحه ۹ سال طول کشید و قدری دیر هنگام بود اما تصویب آن یک گام رو به جلواست.

پیوستن ما به حقوق کودک و پروتکل‌های حقوق کودک در عرصه بین‌الملل چه نتایجی به دنبال داشته یا خواهد داشت؟

امروزه یک کشور نمی‌تواند منزوی زندگی کند اصل مراوده با کشورها ضروری است. به طور مثال ما در کشور خود اقداماتی در زمینه حقوق کودک انجام دادیم. دیگر کشورها هم به زوایای دیگری از آن پرداختند. وقتی می‌گوییم حقوق کودک، منظور صرفاً مجموعه حق‌هایی نیست که در اسناد بین‌المللی به رسمیت شناخته شده بلکه منظور از حقوق کودک مابه‌ازای آن است که باید در بستر اجرا و در دستگاه‌های اجرایی برای تحقق آن گام برداشت. وقتی می‌گوییم حق تغذیه سالم، حق آب شرب سالم و حق دسترسی به سلامت، باید مابه‌ازای آن در کشور دیده شود. امروزه کودکان بیماری‌های خاص همچون EB، پروانه‌ای از فقدان دارو نمی‌برند که لازم است برای تهیه آن با دیگر کشورها ارتباط داشته باشیم. هر چند در حال حاضر درگیر تحریم‌های یک جانبه آمریکا هستیم و به‌رغم اینکه ادعا می‌کنند دارو را تحریم نکرده‌اند اما این دروغ بزرگ تاریخی است، چرا که وقتی سوئیفت ماقطع باشد و مراودات دارویی نداریم چگونه این ارتباط باید شکل گیرد؟ بنابراین باید در نتیجه ارتباط بین کشورها، نیازهای خود را تأمین کنیم هر چند در سایر زمینه‌ها تولیدکننده هستیم و به سایر کشورها صادر می‌کنیم. از طرف دیگر بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای علمی و روش‌های جراحی و دستاوردهای پزشکی نیز متعارف است لذا دسترسی به دریافت‌های دارویی میان کشورها حق بشری افراد است که باید از آن بهره‌مند شوند.

آیا احقاق ما به این پروتکل‌ها دستسوار دی در همین حوزه‌های نیازهای دارویی داشته است؟

بدون تردید، به طور مثال وقتی ما به سازمان ملل گزارش می‌دهیم صرفاً مباحث کفیری و دستگاه قضایی نیست بلکه مواردی چون رفاه کودکان، تحصیل آنان، کودک‌آزاری، خشونت، ازدواج زودهنگام و... موضوع حقوق کودک است و طیف وسیعی از دستگاه‌های مختلف و اجرایی در قبال آن تکلیف دارند. ما نیز از تجربه جامعه جهانی استفاده می‌کنیم. یکی از ساز و کارهای تدبیر شده و فلسفه تشکیل مجمع بین‌المللی تبادل تجربیات و کشورهای است که بدون تردید هم برای مانفعت داشته و هم برای دیگران. عضویت در مجامع بین‌المللی بازی برد-برد برای همه است.

یعنی شما معتقدید تحریم دارویی کودکان در این گونه مراودات مطرح شده و نتایج مطلوبی به دنبال داشته است؟

در اسفند ۹۷ در دیدارهای دو جانبه با رئیس کمیته حقوق کودک سازمان ملل و در دیداری که با نماینده دبیر کل سازمان ملل در حوزه حقوق کودکان داشتم، در زمینه تحریم‌های یک‌جانبه صحبت کردم. در ملاقات خود با گراز شگر موضوع فحشا و هرننگاری کودکان، قطع کاتال بانکی و مناسبات بانکی به عنوان مانع واردات داروها به عنوان یکی از موارد مهم مطرح شد. همچنین دو ماه پیش نامه‌ای به رئیس کمیته حقوق کودک سازمان ملل در این باره نوشتم و اخیراً در کنفرانسی که با حضور ۸۰ سفیر برگزار شد، در باره تحریم‌ها و مخاطرات به وجود آمده برای کودکان صحبت کردم. متأسفانه وضعیتی که امروز با آن مواجه هستیم چیزی جز نقض آشکار همه موازین آشکار حقوق بشر نیست. آمریکا از جمله کشورهایی است که از میان انواع کنوانسیون‌ها، ۲۷ معاهده بین‌المللی پیوسته و در چند سال اخیر هم از بخشی از آنها خارج شده است. تنها کشوری که عضو کنوانسیون حقوق کودک نیست، امریکاست. نیپوستن امریکا به این کنوانسیون با قتل عام کودکان عراق و افغانستان و فلسطین و یمن توسط این کشور نشان دهنده یک پازل از خوی امریکایی است و ایالات متحده ضمن این اقدامات به جامعه جهانی اعلام جنگ می‌کند که در برابر نقض حقوق بشر پاسخگو نیستیم.

فارغ از کنوانسیون حقوق کودک که متناظر با حقوق بین‌الملل است، اجازه به‌دهید به دو موضوع «پلیس اطفال» و «دادگاه و یژه اطفال» که در قوانین خودمان ذکر شده‌اند بپردازیم. چند سالی می‌شود که این دو عنوان در قانون آیین دادرسی کفیری جدید مطرح شده است. وزارت دادگستری چه اقدامی برای این نهادهای تازه تأسیس انجام داده است؟

قانون اساسی ما تکیه زیادی به حقوق کودک در خانواده دارد و آموزه‌های دینی مانیز بر همین اسلس است و این جایگاه رفیع کودک‌ان را نشان می‌دهد. در حوزه حقوق کودکان هم پلیس و دادرسی افتراقی را در حقوق کودک داریم که این یعنی حقوق خاص قائل شدن برای حقوق کودک. لایحه پلیس اطفال در قوه قضاییه به تأیید راسه قوه رسیده و اکنون در تصویب است و ما نیز مسئولیت پیگیری آن را داریم. در حال حاضر پلیس اطفال به صورت پایلوت در تهران انجام می‌شود. چند هفته پیش در همین رابطه جلسهای با نیروی انتظامی تهران بزرگ داشتیم که به زودی فعالیت جدی آن در تهران آغاز می‌شود.

مصادیق مطرح کنید لطفا.

یک مورد حمایت از آسیب‌های مورد تهدید حوزه کودکان است، مثل مراقبت‌های حین مدرسه از قبیل عبور از خیابان و... یا مبحث خشونت علیه کودکان. در جلسه برگزار شده با مسئولان حوزه حقوق قضایی چالش‌های این حوزه مورد بررسی قرار گرفت و ما نیز متعهد هستیم لایحه پلیس را پیگیری کنیم تا به نتیجه برسد. در مورد کانون اصلاح و تربیت نیز همین نگاه وجود دارد و اعتقاد داریم کودک مجرم نداریم. کودکان بزهکار نیستند بلکه بزه‌دیده هستند و حتی کودک معارض با قانون نیز در نتیجه آسیب اجتماعی است و باید نگاه ما به کودک، زن، بزه‌دیدی و حمایتی باشد.

بر سر در همین دادسرای اطفال نوشته شده «دادسرای کودک‌ان معارض با قانون» معنای آن این است که ما اعتقاد داریم نباید این صفت را به شخصیت منتسب کنیم و نباید این خطا به شخصیت وی منتسب شود، بلکه باید عملکرد را مذنبوح بشماریم. حتی در مورد بزهکار هم نباید به شخصی که جرم انجام داده حرفی را منتسب کرد. اگر نگاه اصلاح‌گر ایانه است و هدف بازگرداندن به اجتماع است نباید شخصیت منکوب شود. ما ادبیات خود را باید عوض کنیم.

وقتی می‌گوییم کودکان باید مورد حمایت قرار گیرند، حتی باید پا را فراتر گذاشت. در قوانین و مقررات ما این گونه است که برای کودکان از ۱۵ تا ۱۸ سال مسئولیت کفیری قائل هستیم، آنها به کانون اصلاح و تربیت فرستاده می‌شوند و کودک آگاه از اقدام خود می‌شود چرا که نگاه تربیت و اصلاح‌گرایانه است.

در همین زمینه، آیا در حوزه تخصصی پرونده‌های حقوق کودک کمبود وکیل داریم؟

ما این موضوع را در دستور کار قرار دادیم. با هماهنگی اسکودا برنامه‌ریزی کردیم و مدرسه تابستانی گذاشتیم تا وکلایی که تمایل دارند برای آموزش حقوق کودک وارد شوند و برای پیگیری باین پرونده‌ها آمادگی پیدا کنند. همچنین آموزش تربیت مربی حوزه حقوق کودک را در دستور کار داریم. برنامه‌ری در تبریز تا ۵ شهرپور برای آموزش مربی حقوق کودک داریم و اینها مربی حقوق کودک می‌شوند تا بساری تربیت و آموزش کودکان تخصص داشته باشند.

همین جاباید مطرح کرد، چرا ما فقدان رشته تخصصی حقوق کودک داریم؟

از چند سال قبل به داشکده حقوق شهید بهشتی اعلام کردیم کارشناسی ارشد حقوق کودک را راهاندازی کنند اما استدلال این بود که متأسفانه چون دوره کارشناسی ارشد بزهکاری اطفال و

پیوست. بررسی نظام حقوقی ایران در حوزه حقوق کودک در قیاس با کنوانسیون مذکور، ضرورت‌های این پیوست و سایر موضوعات قابل اهمیت حوزه حقوق کودک در قوانین ایران موضوع بحث ما با محمود عباسی دبیر مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک و معاون حقوق بشر و امور بین‌الملل وزیر دادگستری است. وی از نقض آشکار حقوق بشر در تحریم دارو علیه کودکان ایرانی می‌گوید. عباسی با متهم ساختن امریکا به عنوان تنها کشوری که از



مراجع ارائه آمار در این رابطه کیجاست؟

به طور مثال مرجع رسمی در مورد خشونت علیه کودکان قوه قضاییه است اما سازمان پزشکی قانونی و بهزیستی نیز آمارهای دیگری دارند. باید تفکیک کرد که چه میزان آمار واقعی و حقیقی است و انهایی که به حکومت منجر می‌شود، قابل اهمیت تر است. ما وقتی آمار دقیق نداریم، نمی‌توانیم برنامه‌ریزی درست انجام دهیم.

امکان قانونی برای مکلف کردن دستگاه‌ها به منظور ارائه آمار وجود ندارد؟

واژه کودک‌آزاری و خشونت علیه کودکان تفاوت دارد. از ۲ میلیارد کودک در جهان یک میلیارد تحت خشونت هستند. این خشونت دایره‌ای باز دارد، از بی‌حرمتی گرفته تا خشونت جنسی و جسمی و قتل و... که همه را دربر می‌گیرد. ما هیچ آماری از کودک‌آزاری نداریم.



قانون اساسی ما تکیه زیادی به حقوق کودک در خانواده دارد و آموزه‌های دینی ما نیز بر همین اساس است و این جایگاه رفیع کودکان را نشان می‌دهد. در حوزه حقوق کودکان هم پلیس و دادرسی افتراقی را در حقوق کودک داریم که این یعنی حقوق خاص قائل شدن برای حقوق کودک

مرجعی برای ارائه این آمار وجود دارد؟

یکی از مشکلات ما در کشور این است که آمار درست و دقیقی نداریم. در یکی از جلساتی که شرکت داشتیم، دبیرم را ج به کودکان کار و خیابان از پنج دستگاه پنج آمار مختلف و با اختلاف فاحش ارائه می‌دهند. چرا وقتی آماری وجود ندارد، آمار تخیلی ارائه می‌شود؟ فقدان آمار اجازه برنامه‌ریزی را نمی‌دهد. ما وقتی آمار نداشته باشیم چگونه کارها را مدیریت کنیم؟ دستگاه‌ها آمار درستی ارائه نمی‌کنند و حتی برخی مصلحت نمی‌دانند که آمار ارائه بدهند!

مرجع ارائه آمار در این رابطه کیجاست؟

به طور مثال مرجع رسمی در مورد خشونت علیه کودکان قوه قضاییه است اما سازمان پزشکی قانونی و بهزیستی نیز آمارهای دیگری دارند. باید تفکیک کرد که چه میزان آمار واقعی و حقیقی است و انهایی که به حکومت منجر می‌شود، قابل اهمیت تر است. ما وقتی آمار دقیق نداریم، نمی‌توانیم برنامه‌ریزی درست انجام دهیم.

امکان قانونی برای مکلف کردن دستگاه‌ها به منظور ارائه آمار وجود ندارد؟

بدون تردید دستگاه‌ها وظیفه دارند آمار دقیقی از وضعیت کودکان ارائه کنند تا بتوان برای آن برنامه‌ریزی کرد اما دستگاه‌ها به تکلیف قانونی خودشان عمل نمی‌کنند و این حجم از موضوعات به دلیل همین فقدان عمل نکردن به تکلیف قانونی است.



آمار ازدواج به اصطلاح زودهنگام هم همین گونه است؟

در خصوص ازدواج‌های زودهنگام باید به این نکته اشاره کنم که ما در یک جامعه مدنی و قانونمندی زندگی می‌کنیم، قانون باید معیار حرکت و رفتار ما باشد. وقتی قانونگذار ازدواج‌های قبل از سن بلوغ و رشد را جرم و قابل تعقیب کفیری می‌داند و در خصوص سن رشد هم که باید بر مبنای حکم دادگاه باشد حداقل ۱۳ سال است، چگونه برخی به خود اجازه می‌دهند که ازدواج‌های زودهنگام را توجیه کنند؟ البته وقتی می‌گوییم ۱۳ سال معنا و مفهومش این است که محکمه دادگاه باید با اخذ نظر کارشناسی و پزشکی قانونی رشد و بلوغ جنسی، روحی و عقلی زوجین را احراز نماید و اگر به این نتیجه رسید که فردی کمتر از ۱۳ سال هم به رشد جسمی و روحی و عقلی رسیده است آن فرد استثنائاً می‌تواند ازدواج کند، اما نوعاً به فرد کمتر از ۱۳ سال حکم رشد نمی‌دهند. اما چون ملاک عمل قانون آیین استثنائی که به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده و مورد تأیید شورای نگهبان است همه مکلف به اجرای آن هستند و در نظام اسلامی حتی اگر قبحی هم نظری مغایر با نظر قانونگذار داشت باید بر مبنای نظر قانونگذار عمل کند هر چند قبحیه مختار است فتوایدها امجاری آن در صورتی که



مغایر با قوانین نظام اسلامی بود متعذر است و باید قانون را اجرا کرد.

اساساً درست است که قانونگذار که کار اصلی‌اش تنظیم روابط اجتماعی است، به موضوع ازدواج، که خصوصی‌ترین جنبه زندگی هر شخصی است ورود کند؟

به هر حال اکنون و طبق قوانین لازم‌الاجرای فعلی کودک‌همسری و ازدواج زودهنگام بدون اخذ حکم رشد از دادگاه جرم و قابل تعقیب کفیری است؛ هم برای عاقد و مدیر دفتر خانه ازدواج و هم برای افرادی که به نحوی در این امر معاونت یا مشارکت داشته‌اند. در حال حاضر برخی استان‌های ما درگیر ازدواج‌های زودهنگام هستند که خراسان رضوی در صدر است و استان آذربایجان شرقی در ردیف دوم قرار دارد. متأسفانه استان زنجان در حال سبقت گرفتن از استان آذربایجان شرقی است. راهکار اساسی برای جلوگیری از ازدواج‌های زودهنگام آموزش و فرهنگ‌سازی است. نقش رهبران مذهبی در این حوزه بسیار برجسته است و باید برای تحقق آن که حق کودکان است تلاش کرد.

نکته مهم دیگری که در این راستا می‌توان بیان کرد این است که ازدواج‌های زودهنگام منصرف از سیاست‌های جمعیتی است. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که متأسفانه سن ازدواج دختران به ۲۷ سال رسیده و باید دولتمردان و سیاستگذاران برای این مسئله فکری کنند و چاره‌ای ببینند. قانون ناقصی در زمینه تسهیل ازدواج در سال ۱۳۸۴ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

همین قانون هم در کشور اجرا نمی‌شود و در مقابل می‌بینیم که عده‌ای مروج نقض قانسون و قانون‌گریزی در جامعه هستند. در گزارش آمده بود کودک ۹ ساله‌ای را به خانه بخت فرستاده و سه سال بعد در نتیجه طلاق سه بچه به خانه پدر بازگشتند. اخیراً من در سفر استانی آذربایجان شرقی بودم که اعلام کردند تقریباً تمام ازدواج‌های زودهنگام به طلاق منجر شده است. کودک در این سن باید بازی کند و درس بخواند، در خانواده کنار والدین خود زندگی کند. در مورد پسران هم این گونه است. آنها هم باید از ازدواج‌های محلی به دور باشند. متأسفانه آمار طلاق در جامعه فاجعه‌بار است. از هر سه ازدواجی که در کشور صورت می‌گیرد یک مورد آن به طلاق می‌انجامد. توجیه داشته باشیم که ازدواج یکی از چهار واقعه مهم دوران زندگی است و باید مبتنی بر اراده، انتخاب و عقلانیت صورت پذیرد. اینکه یکی بگوید مادر بزرگ من در ۹ سالگی ازدواج کرد و اتفاقی در نقطه مقابل این تفکر در مجلس شورای اسلامی هستیم. نمایندگان محترم طرح افزایش سن ازدواج را در مجلس شورای اسلامی مطرح کرده‌اند.

دانشگاهها



بردن جهیزیه قبل از طلاق امکان‌پذیر است

جهیزیه به مجموعه اموال منقولی است که برای استعمال یا تزئین زندگی مشترک از طرف زن به منزل شوهر آورده می‌شود. زن هیچ‌گونه تکلیف شرعی و قانونی برای آوردن جهیزیه ندارد و تهیه وسایل لازم برای زندگی مشترک بر عهده شوهر است.

آوردن جهیزیه از سوی زن به منزله انصراف او از مالکیت نیست بلکه فقط به جهت زندگی مشترک، شوهر حق استفاده از جهیزیه را دارد و مالکیت جهیزیه متعلق به زن است و چون زن تکلیفی در آوردن جهیزیه به خانه شوهر ندارد، هر زمان که بخواهد می‌تواند جهیزیه را مسترد نماید. بردن جهیزیه قبل از طلاق امکان‌پذیر است چراکه زن مالک آن وسایل است و استرداد جهیزیه قبل از طلاق به منزله تمایل به جدایی است.

لازم به ذکر است اموال و وسایلی که شوهر در طول زندگی مشترک خریداری کرده حتی آنچه را که در نتیجه خرابی یا استهلاک جهیزیه زن خریداری می‌کند جزو جهیزیه نیست. پس زن اگر بخواهد دادخواست استرداد جهیزیه به‌دهد فقط می‌تواند آنچه از جهیزیه باقی مانده را مسترد نماید. جهیزیه همان چیزی است که در شروع زندگی مشترک زن به خانه شوهر آورده است بنابراین اگر در طول زمان این وسایل خراب یا مستهلک شوند شوهر مسئولیت و تکلیفی برای پرداخت وجه آن یا دادن جایگزین ندارد. توجه داشته باشید که جهیزیه دادن در مناطق مختلف کشور متفاوت است؛ در بعضی جاها طبق عرف و سنت به‌طور کامل بر عهده زن و در بعضی دیگر بخشی از وسایل بر عهده مرد و بخشی بر عهده زن است و در بعضی دیگر کاملاً بر عهده مرد است.

شیوه استرداد جهیزیه

لیست اقلام جهیزیه یا همان سیاهه از دیرباز در کشور ما رایج بوده است. اگر تمایل به داشتن سیاهه دارید، فهرستی کامل از جهیزیه با جزئیات کامل تهیه کنید و بعد از استقرار در خانه شوهر از وی امضا اخذ کنید بدین شرح که این اقلام به خانه وی آورده شده است. برای اطمینان کامل می‌توانید همان‌طور که گفته شد جزئیات کامل اقلام خصوصاً وسایل گران‌قیمت را بنویسید.

مثلاً اگر موضوع فرش است بنویسید که ماشینی است یا دستیافت و چه مشخصاتی دارد؟! لزومی به امضای ششاهد ذیل سیاهه (فهرست جهیزیه) نیست، اگر چه بودن امضای چند شاهد امین خالی از فایده نیست. استرداد جهیزیه یا بردن جهیزیه به آسان است و معمولاً مشکلی در این خصوص وجود ندارد.

زن می‌تواند از طریق دادگاه خانواده یا شورای حل اختلاف استرداد جهیزیه به استناد سیاهه دادخواست تقدیم کند.

نکته اول

در نقاط مختلف ایران رسم است که بعضی از اقلام جهیزیه توسط شوهر خریداری شود، ممکن است این اقلام خریداری شده توسط شوهر در سیاهه نوشته شود و به امضا برسد. پس مراقب باشید آنچه شما (زوج) خریداری می‌کنید نباید به عنوان جهیزیه به وارد سیاهه شود چون بعداً هنگام استرداد جهیزیه توسط زوج‌ه‌ا نمی‌توانید در دادگاه ثابت کنید که مگسری از اقلام توسط خود شما خریداری شده. تمام آنچه در سیاهه قرار دارد توسط زوج‌ه مسترد می‌گردد.

نکته دوم

در بعضی سیاهه‌ها مشاهده می‌شود که طلاهای عروس (زوجه) با قید گرم به عنوان بخشی از جهیزیه گنجانده شده است. در تعریف جهیزیه گفته شد که جهیزیه آن اموال و وسایلی است که در زندگی مشترک استفاده می‌شود لذا طلاهای زوج‌ه متعلق به اوست و در تصرف اوست و مرد استفاده‌ای از آنها ندارد پس طبق عرف جهیزیه محسوب نمی‌شود مگر اینکه زوج طلاها را از خانه پدر یا خود آورده باشد و مدعی شود که در طول زندگی مشترک شوهر (زوج) آنها را برداشته است که از مقوله استرداد جهیزیه خارج است و زن با اثبات آن می‌تواند شکایت کفیری یا حقوقی کند.



استثنائات عذر موجه زن برای تمکین نکردن

برخی از استثنائات که عذر موجه زن برای تمکین نکردن محسوب می‌شوند از این قبیل هستند:

- بیماری و ناتوانی خود زن به حدی که قادر به انجام وظایفش نباشد.
- حالتی که زن برای دوری کردن از اعمال حرام در واقع اطاعت از خداوند تمکین نمی‌کند، مانند وقتی که زن در حال حیض و نفاس و احرام باشد که این شرایط می‌تواند رابطه جنسی داشته باشد.
- ترس از ضرر مالی و بدنی و شرافتی برای زن وجود داشته باشد.
- خودداری کردن از تمکین و اطاعت کردن تا زمان پرداخت مهریه توسط شوهر. فرض کنید مهریه خانمی هنگام عقد تعداد معینی سکه تعیین شده و خانم هم شرط کرده که هر زمان مهریه‌اش را بخواهد، شوهر آن را پرداخت کند. در این صورت زن می‌تواند قبل از این که تمکین کند ابتدا پرداخت مهریه‌اش را از شوهر بخواهد. در این که این حق فقط مربوط به تمکین و اطاعت در برقراری رابطه جنسی می‌شود یا در رابطه با انجام تمام وظایفی که زن بر عهده دارد هم می‌تواند از این حق استفاده کند یا خیر، پرونده‌ها و آرای دادگاه‌ها بیان‌کننده هستند که هر نوع تمکینی را شامل می‌شود. در یکی از دعاوی آقای الف علیه همسر خود دعوی الزام به تمکین را اقامه می‌کند. استدلال آقای الف این است که عدم پرداخت مهریه صرفاً باعث عدم تمکین خاص می‌شود تمکین عام و بنابراین با وجود عدم پرداخت مهریه، همسر ایشان، غیر از چهار واقعه مهم دوران زندگی است و باید مبتنی بر اراده، انتخاب و عقلانیت صورت پذیرد. اینکه یکی بگوید مادر بزرگ من در ۹ سالگی ازدواج کرد و اتفاقی در نقطه مقابل این تفکر در مجلس شورای اسلامی هستیم. نمایندگان محترم طرح افزایش سن ازدواج را در مجلس شورای اسلامی مطرح کرده‌اند.